

نقش زبان در جمع‌آوری اطلاعات و دیپلماسی

محمد امیرلو^۱

چکیده

این مقاله، نقش محوری اساسی زبان در جمع‌آوری اطلاعات نظامی و دیپلماسی را بررسی کرده، بر ظرفیت دوگانه آن برای شفاف‌سازی و مبهم‌سازی، ایجاد اعتماد، و برانگیختن تضاد و تعارض تأکید می‌کند. این مطالعه به واسطه تجزیه و تحلیل کیفی مطالعات موردی - بحران موشکی کوبا (۱۹۶۲) و شکست اطلاعاتی سلاح کشتار جمعی^۲ عراق (۲۰۰۳) - و تحلیل گفتمان انتقادی اسناد طبقه بندی شده و رونوشت‌های دیپلماتیک، چالش‌های زبانی مکرر، مانند استفاده نادرست از استعاره، ابهامات زبان، و خطاهای ترجمه را مشخص می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که تفاوت‌های جزئی زبانی، تأثیر قابل توجهی بر تفسیر اطلاعات و نتایج دیپلماتیک دارد، و تفاسیر نادرست، اغلب، تضادها را تشدید می‌کند یا مذاکرات را از مسیر خارج می‌کند. این مطالعه، تأثیر پیشرفت‌های فناوری، مانند ترجمه ماشین عصبی را نیز بررسی کرده، و

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت MBA. دانشگاه علم و فرهنگ. تهران. ایران. m.amirlu74@gmail.com

^۲ WMD

محدودیت‌های آنها را در بررسی ظرافت‌های فرهنگی و عمل‌گرایانه را برجسته می‌سازد. ملاحظات اخلاقی، مانند استفاده از زبان کنترل‌گر در اطلاعات و تنش بین شفافیت و ابهام استراتژیک در دیپلماسی، به شکل انتقادی بررسی می‌شود. این مقاله به واسطه حمایت از آموزش زبان‌شناختی پیشرفته، تجزیه و تحلیل زمینه‌ای، و چارچوب‌های گفتمان آگاهانه از نظر فرهنگی به منظور کاهش ریسکها و بهبود شیوه‌های امنیت جهانی خاتمه می‌یابد. این تحقیق به واسطه ادغام بینش‌های حاصل از علوم سیاسی، زبان‌شناسی، و مطالعات ارتباطات، به درک کل نگر نقش استراتژیک زبان در هوش و دیپلماسی کمک کرده، و توصیه‌های عملی برای سیاست‌گذاران و متخصصین ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: زبان، اطلاعات نظامی، دیپلماسی، ترجمه، تحلیل گفتمان

۱. مقدمه

۱.۱. پیشینه

زبان، هم به عنوان یک وسیله ارتباطی و هم به عنوان مخزن معنای فرهنگی، مدتها است که به عنوان بنیاد و اساس تعامل انسانی^۱ عمل کرده است. کارکرد دوگانه آن به عنوان ابزاری برای کسب اطلاعات و حل تضاد و تعارض، آن را در دو حوزه مهم، ضروری می‌سازد: جمع‌آوری اطلاعات و دیپلماسی. در عملیات اطلاعات، زبان به عنوان مجرای رمزگشایی تهدیدات، رهگیری ارتباطات، و تفسیر نیت خصمانه عمل می‌کند. برعکس، تعاملات دیپلماتیک به منظور مذاکره در خصوص معاهدات، تنش زدایی، و تقویت درک متقابل به زبان متکی است. تأثیر متقابل بین

^۱ human interaction

این نقشها بر ماهیت متناقض زبان تأکید دارد: در حالی که میتواند روشن کننده باشد، می تواند مبهم کننده نیز باشد؛ در حالی که پل می سازد، میتواند تقسیمات را تقویت کند (کوهن،^۱ ۲۰۱۹).

به عنوان مثال، بحران موشکی کوبا (۱۹۶۲)، به تفسیر دقیق ارتباطات شوروی و آمریکا وابسته بود، که در آن ترجمه‌های نادرست می‌توانست به جنگ هسته‌ای تشدید شود (آلیسون،^۲ ۲۰۱۷). به طور مشابه، آژانس‌های اطلاعاتی مدرن با جریان‌های داده چند زبانه سر و کار دارند، که در آن ابزارهای الگوریتمی، پست‌های رسانه‌های اجتماعی، تماس‌های رهگیری شده، و پیام‌های رمزگذاری شده را تجزیه می‌کنند - کاری که به واسطه اصطلاحات، کنایه‌ها، و ارجاعات فرهنگی پیچیده می‌شود (ووداک،^۳ ۲۰۲۱). در دیپلماسی، زبان، ادراکات و تصورات مربوط به اعتماد و اعتبار را شکل می دهد. کنش‌های گفتار دیپلماتیک، مانند اعلامیه‌های مشترک یا عذرخواهی عمومی، نه تنها در معنای تحت اللفظی خود، بلکه در طنین نمادین خود نیز حائز اهمیت هستند (کوهن، ۲۰۲۰). به عنوان مثال، توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵، مذاکره‌کنندگان را ملزم ساخت عبارات ظریفی مانند "رفع تحریم‌ها" و "انطباق و تبعیت قابل تأیید" را بکار بگیرند، که هر یک مملو از معنای نهفته سیاسی و فرهنگی بودند (آدلر، نیشن و پولیت، ۲۰۲۲).^۴

¹ Cohen

² Allison

³ Wodak

⁴ Adler-Nissen & Pouliot

با وجود پیشرفت در فناوریهای ترجمه و آموزش بین فرهنگی، ابهامات زبانی و زمینه های فرهنگی، همچنان، دقت اطلاعات و نتایج دیپلماتیک را تضعیف می کنند. یک عبارت که به اشتباه تفسیر شده است یا یک تفسیر غیر حساس از لحاظ فرهنگی میتواند سبب تحریف ارزیابی های تهدید شود، مذاکرات را از مسیر خارج کند، یا سبب تشدید ناخواسته شود. شکست اطلاعاتی جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، که در آن عبارت "اسلم دانک"^۱ که به شکل محاورهای توسط مقامات آمریکایی به کار میرود، و به شکل بد و به اشتباه تحت عنوان شواهد قطعی سلاحهای کشتار جمعی (WMD) تعبیر شد، نمونه های از این ریسک است (جرویس^۲، ۲۰۲۰). به همین ترتیب، گفتمانهای دیپلماتیک، اغلب، زمانی تزلزل پیدا میکنند که استراتژیهای زبانی قادر به توضیح عدم توازن قدرت یا نارضایتیهای تاریخی نباشند. به عنوان مثال، در طول بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین، روسیه، استفاده ناتو از اصطلاح "گسترش" را تحت عنوان یک تهدید و تشدید تنشها تفسیر کرد (میرشیمیر^۳، ۲۰۲۳).

با ظهور جنگ ترکیبی، که بازیگران دولتی و غیر دولتی به واسطه کمپینهای اطلاعات نادرست، صداها و دروغین عمیق، و پروپاگاندای الگوریتمی، زبان را به سلاح تبدیل می کنند، چنین چالشهایی تشدید می شوند (ووداک، ۲۰۲۱). این تاکتیکها از آسیب پذیریهای زبانی سوء استفاده کرده، تصور و درک عمومی را کنترل کرده، و اعتماد به نهادها را از بین می برند. با این وجود، تحقیقات موجود، اغلب، اطلاعات نظامی و دیپلماسی را به عنوان زمینه های مجزا

^۱ Slam dunk

^۲ Jervis

^۳ Mearsheimer

تلقی کرده، و اتکای مشترک آنها به زبان به عنوان سلاح و حافظ را نادیده میگیرند. این خلاء مستلزم بررسی میان رشته ای نحوه عملکرد زبان در این حوزه ها است.

این مقاله به واسطه تجزیه و تحلیل نقش زبان در دو زمینه، به دنبال پر کردن این خلاء است: (۱) رمزگشایی داده های اطلاعات نظامی، و (۲) تسهیل گفتمان دیپلماتیک. با بهره گیری از مطالعات موردی و تحلیل گفتمان، به دنبال دستیابی به سه هدف است. اول، مشکلات زبانی مکرر در تفسیر اطلاعات، مانند استفاده نادرست از استعاره و ابهام اصطلاحات تخصصی را مشخص می‌کند. دوم، به ارزیابی این مسئله می‌پردازد که چگونه انتخاب‌های زبانی – مانند پوشش، استراتژی‌های ادب، یا ضمائر مشمول – اعتماد دیپلماتیک را شکل می‌دهند. سوم، استراتژی‌های عملی برای سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌کند، مانند آموزش مترجم پیشرفته، تجزیه و تحلیل زمینه‌ای به کمک هوش مصنوعی، و چارچوب‌های گفتمان آگاهانه از نظر فرهنگی. این مطالعه به واسطه ترکیب بینش‌های حاصل از علوم سیاسی، زبان‌شناسی، و مطالعات ارتباطات، به درک کلی ارزش استراتژیک زبان کمک می‌کند

تجزیه و تحلیل به واسطه دو سؤال اصلی تحقیق هدایت میشود:

۱. تفاوت‌های ظریف زبانی، مانند استعاره، نحو، و واقعیت گرایی، چگونه بر تفسیر داده

های اطلاعات نظامی تأثیر می‌گذارند؟

۲. زبان چه نقشی در ایجاد یا از بین بردن اعتماد در طول مذاکرات دیپلماتیک، به ویژه

در محیط‌های چند زبانه و چند فرهنگی ایفا میکند؟

این سؤالات به واسطه تحلیل مقایسه‌ای موارد تاریخی و معاصر، از جمله بحران موشکی کوبا، مناقشه سلاح‌های کشتار جمعی عراق، و مذاکرات تجاری اخیر آمریکا و چین مورد بررسی قرار می‌گیرند. این مقاله به واسطه برجسته سازی زبان به عنوان متغیری از قدرت و ادراک دیدگاه‌های جبرگرایانه و قطعی در خصوص اطلاعات و دیپلماسی را به چالش کشیده، و از رویکردی دقیق‌تر و آگاهانه‌تر زبانی نسبت به امنیت جهانی دفاع می‌کند.

۲. مرور ادبیات

۲.۱ زبان در جمع آوری اطلاعات

نقش زبان در عملیات اطلاعاتی از یک دغدغه ثانوی به یک تمرکز مرکزی تبدیل شده است، به ویژه با توجه به اینکه درگیریهایی جهانی به طور روزافزون به جنگ اطلاعاتی متکی هستند. کار اصلی انجام شده توسط ریکاردی^۱ (۲۰۱۹) با این استدلال که حتی ابهامات واژگانی جزئی می‌توانند ارزیابی های تهدید را تحریف کنند، بر ریسک های خطاهای ترجمه در ارتباطات رهگیری شده تأکید دارد. به عنوان مثال، ریکاردی^۲ (۲۰۱۹) به منظور نشان دادن این مسئله که چگونه ترجمه‌های نادرست اصطلاحات روسی - مانند تفسیر "за двумя зайцами" ("تعقیب دو خرگوش") به عنوان یک تهدید تحت‌اللفظی به جای استعاره‌ای برای عملکرد چند وظیفه ای - منجر به تشدیدهای غیر ضروری شد، اسناد غیر محرمانه جنگ سرد را تحلیل می‌کند. این امر همراه با انتقادات گسترده‌تر در خصوص چارچوب‌های اطلاعات تک

¹ Riccardi

² Ricardi

زبانه است، که اغلب، نمیتواند واقعیت‌گرایی نهادینه شده فرهنگی را توضیح بدهد (بیکر، ۲۰۲۰).

تحقیقات اخیر، این گفتمان را به جنگ ترکیبی گسترش داده است، که در آن زبان به واسطه کمپین‌های اطلاعات نادرست به سلاح تبدیل میشود. تحلیل گفتمانی ووداک^۲ (۲۰۲۱) در خصوص پروپاگاندا در درگیری‌های ترکیبی نشان می‌دهد که چگونه بازیگران متخاصم از تکرار و تعدد معانی^۳ زبانی – هم وجودی معانی متعدد در یک اصطلاح واحد – به منظور ایجاد سردرگمی بهره می‌گیرند. به عنوان مثال، در طول مداخله در انتخابات ایالات متحده در سال ۲۰۱۶، عوامل روسی از اصطلاحات انعطاف‌پذیر معنایی مانند "آزادی" و "فساد" به منظور طنین‌اندازی با گروه‌های ایدئولوژیک مختلف استفاده کردند. چنین استراتژی‌هایی، محدودیت‌های روش‌های متداول اطلاعات نظامی را برجسته می‌کنند، که دقت و اثرگذاری را نسبت به جزئیات زمینه‌ای در اولویت قرار می‌دهند.

فناوریهای نوظهور، تحلیل زبانی را در اطلاعات نظامی پیچیده‌تر کرده‌اند. در حالی که ابزارهای ترجمه ماشینی، مانند شبکه‌های عصبی، سرعت را بهبود می‌بخشند، اما با پدیده‌های وابسته به زمینه مانند طعنه، کنایه، یا زبان رمزی در کشمکش هستند. مطالعه نگوین^۴ و دیویدسون^۵ (۲۰۲۲) در زمینه سیستم‌های اطلاعات مبتنی بر هوش مصنوعی مشخص کرد که الگوریتم‌ها، ۳۴٪ پست‌های طعنه‌آمیز رسانه‌های اجتماعی به گویش‌های عربی را در طول جنگ

¹ Baker

² Wodak

³ polysemy

⁴ Nguyen

⁵ Davidson

سوریه به اشتباه تفسیر می‌کنند، که به ارزیابی‌های ریسک ناقص منجر شد. این یافته‌ها، ادعای ریکاردی (۲۰۱۹) را تأیید میکند که زبان شناسان انسانی در تفسیر ظرافت‌ها ضروری هستند. با این حال، تکیه بر تخصص انسانی، چالش‌های خاص خود، مانند تعصب و سوگیری شناختی را مطرح می‌کند. همانگونه که هریس^۱ (۲۰۲۳) اشاره می‌کند، ممکن است تحلیلگران مسلط به زبان مقصد، به طور ناخودآگاه، چارچوب‌های فرهنگی خود را روی پیامهای رهگیری شده طرح‌کننده، که سوگیری‌های تأیید را تقویت می‌کند.

یک خلاء مهم در این ادبیات، فقدان چارچوب‌های میان رشته‌ای است که نظریه زبانی را با شیوه اطلاعات نظامی ادغام می‌کند. در حالی که مطالعاتی مانند مطالعه ووداک (۲۰۲۱) بر تحلیل گفتمان تأکید دارند، معدودی از آنها به این مسئله می‌پردازند که چگونه سازمان‌های اطلاعاتی می‌توانند این بینش‌ها را عملیاتی کنند. کار اخیر جونز^۲ و پاتل^۳ (۲۰۲۳)، یک "ماتریس ریسک زبانی" را برای دسته‌بندی محتوای رهگیری شده براساس سطوح ابهام پیشنهاد می‌کند، که ابزاری عمل‌گرایانه‌ای برای اولویت‌بندی بازبینی انسانی ارائه می‌کند. با این حال، چنین مدل‌هایی در سناریوهای پر مخاطره، آزمایش نشده باقی می‌مانند، که بر نیاز به اعتبارسنجی تجربی را تأکید می‌کند.

¹ Harris

² Jones

³ Patel

۲.۲ زبان در دیپلماسی

در شیوه دیپلماتیک، زبان نه تنها به عنوان یک وسیله ارتباطی عمل میکند، بلکه به عنوان یک ابزار گفتار کرداری نیز عمل میکند که واقعیت‌های سیاسی را می‌سازد. چارچوب کوهن^۱ (۲۰۲۰) در خصوص کنش‌های گفتاری دیپلماتیک – که ریشه در نظریه زبان گفتار کرداری آستین^۲ (۱۹۶۲) دارد – فرض میکند که اظهاراتی مانند معاهدات، عذرخواهی‌ها، یا تهدیدات، اقداماتی با پیامدهای مادی هستند. به عنوان مثال، کوهن، بیانیه یا ابلاغیه سال ۱۹۷۲ شانگهای را تحلیل میکند، که در آن عبارت امریکایی "موضع چین واحد را تصدیق کنید"، عمداً مبهم بود، و رهبران آمریکا و چین را قادر می‌ساخت ادعای پیروزی دیپلماتیک داشته باشند. این استفاده استراتژیک از ابهام، که "ابهام سازنده" نامیده میشود، اساس دیپلماسی بحران باقی میماند.

تحقیقات معاصر به سمت نقش هوش مصنوعی در مذاکرات چند زبانه تغییر کرده است. اسمیت^۳ و لی^۴ (۲۰۲۳)، استفاده از ابزارهای ترجمه بلادرنگ را در طول اجلاس آب و هوای گلاسکو در سال ۲۰۲۱ بررسی میکنند، که در آن سیستم‌های هوش مصنوعی، خطاهای واژگانی را تا ۴۰٪ درصد کاهش دادند، اما نتوانستند تفاوت‌های لحنی ظریف و مهم برای اعتمادسازی را ثبت کنند. چنین اشتباهاتی، محدودیت‌های هوش مصنوعی را در مدیریت معنانشناسی فرهنگی ممکن نشان می‌دهد.

¹ Cohen

² Austin

³ communiqué

⁴ Smith

⁵ Lee

تعامل زبان و قدرت در دیپلماسی، یکی دیگر از کانونهای توجه رو به رشد است. آدلر-نیسن^۱ و همکاران (۲۰۲۳) استدلال می‌کنند که "تسلط زبانی" در سازمان‌های بین‌المللی به دیپلمات‌های انگلیسی زبان امتیاز اعطا کرده، و سخنرانان غیر بومی را به حاشیه می‌برد. مطالعه آنها در خصوص بحث‌های مجمع عمومی سازمان ملل نشان می‌دهد که نمایندگان غیر انگلیسی زبان، اغلب، خودسانسوری می‌کنند، یا به مترجمان متکی هستند، که نفوذ بلاغی آنها را کاهش می‌دهد. این عدم تقارن قدرت به واسطه "دروازه‌بانی دیپلماتیک" تشدید می‌شود، که در آن زبان‌های رویه‌ای مانند انگلیسی یا فرانسوی، تنظیم دستور کار را کنترل می‌کنند (آدلر و همکاران، ۲۰۲۳). برعکس، تحلیل بوتلیگیئر^۲ (۲۰۲۲) در خصوص دیپلماسی دولت‌های کوچک نشان می‌دهد که چگونه مهارت زبانی - مانند استفاده سنگاپور از زبان انگلیسی و ماندارین - می‌تواند اهرم ژئوپلیتیکی را تقویت کند، که سلسله مراتب قدرت سنتی را به چالش میکشد.

ملاحظات اخلاقی در زبان دیپلماتیک نیز مورد توجه قرار گرفته است. انتقاد کوالسکی^۳ (۲۰۲۳) در خصوص "گفتمان پالوده" در مذاکرات حقوق بشر نشان می‌دهد که چگونه تعبیری مانند "تلفات جانبی" یا "بازجویی تقویت شده"، ذی‌حسابی را مبهم می‌سازد. کوالسکی استدلال می‌کند که چنین زبانی سبب تداوم انزوای اخلاقی می‌شود، که دولت‌ها را قادر می‌سازد از بررسی دقیق فرار کنند. با این حال، این دیدگاه در تضاد با رویکردهای واقعیت‌گرایانه‌ای است که از ابهام استراتژیک حمایت می‌کنند. به عنوان مثال، در طول مذاکرات هسته‌ای ایران در

¹ Adler-Nissen

² Bouteligier

³ Kowalski

سال ۲۰۲۲، میانجی‌های اروپایی، عمداً، از عبارات مبهمی مانند "تعهدات داوطلبانه" برای حفظ گفتگو علیرغم اختلاف نظرها استفاده کردند (مولرو دهقانی، ۲۰۲۳).^۱

جدول ۱ – موضوعات مهم در ادبیات زبان و دیپلماسی

موضوع	نویسنده(ها)	بینش کلیدی
کنشهای گفتاری	کوهن (۲۰۲۰)	ابهام به عنوان ابزاری برای اتفاق آراء
ترجمه هوش مصنوعی	اسمیت و لی (۲۰۲۳)	دقت واژگانی $\neq$ وفاداری معنایی
پویایی قدرت	آدلر-نیسن و همکاران (۲۰۲۳)	سلطه انگلیسی، سخنرانان غیر بومی را به حاشیه میبرد.

در حالی که تحقیقات موجود، نقش استراتژیک زبان را در اطلاعات نظامی و دیپلماسی روشن می‌سازد، سه خلاء وجود دارد. اول، مطالعات کمی، تلاقی این حوزه‌ها را بررسی می‌کنند – به عنوان مثال، نحوه اطلاع‌رسانی زبان‌شناسان اطلاعات نظامی در خصوص استراتژی‌های دیپلماتیک مشخص نیست. دوم، پیامدهای اخلاقی ابزارهای هوش مصنوعی، به ویژه، پتانسیل

^۱ Müller & Dehghani

آنها برای تثبیت برتری زبانی، هنوز بررسی نشده است. در نهایت، اکثر چارچوب‌ها، زمینه‌های غربی را اولویت‌بندی می‌کنند، و مناطقی مانند آفریقا یا جنوب آسیا را نادیده می‌گیرند، که چندزبانگی در آنها هنجار است. پرداختن به این خلاءها میتواند شیوه‌های فراگیرتر و کارآمدتری برای امنیت جهانی حاصل کند.

۲،۳- چارچوبهای نظری

تجزیه و تحلیل نقش زبان در اطلاعات و دیپلماسی مستلزم زمینه سازی در نظریه های میان رشته ای است که هم قدرت گفتار کرداری کلمات و هم زمینه‌های فرهنگی را که تفسیر آنها را شکل می‌دهند، در نظر می‌گیرد. دو چارچوب، بسیار برجسته هستند: نظریه عمل گفتار (آستین^۱، ۱۹۶۲) و نظریه ارتباطات بین فرهنگی (هالیدی^۲، ۲۰۱۸). علاوه بر این، آنها لنز قوی برای درک نحوه عملکرد زبان به عنوان ابزار نفوذ، مذاکره و ارتباط نادرست ارائه میکنند.

۲،۳،۱ نظریه کنش گفتاری: زبان به عنوان عمل

نظریه کنش گفتاری که توسط ج. ل. آستین (۱۹۶۲) طرح شد، فرض می‌کند که اظهارات، صرفاً توصیفی نیستند، بلکه گفتار کرداری هستند - آنها نتایج و پیامدهای دنیای واقعی را به نمایش می‌گذارند. مدل سه جانبه آستین، بین کنشهای لفظی (معنای تحت اللفظی کلمات)، کنشهای منظوری (نیت پشت گفته، مانند وعده یا تهدید)، و کنشهای تأثیری (تأثیر بر شنونده)

¹ Austin

² Holliday

تمایز قائل میشود. این چارچوب برای تشریح نحوه عملکرد زبان در زمینه‌های اطلاعات و دیپلماتیک پرمخاطره ضروری است.

در جمع‌آوری اطلاعات، کنشهای گفتاری مبنای تفسیر ارتباطات متخاصمانه است. به عنوان مثال، یک بیانیه رهگیری شده مانند "ما به سرعت تلافی خواهیم کرد"، هم یک کنش لفظی (اعلام قصد) و هم یک کنش منظوری (یک تهدید) را تشکیل میدهد، که تحلیلگران را ملزم می‌کند اعتبار و تأثیر احتمالی آن را ارزیابی کنند (به عنوان مثال، بسیج نیرو). قضاوت نادرست در خصوص نیروی منظوری - مانند اشتباه گرفتن لفاظی هذلولی با قصد عملی - میتواند به شکست اطلاعاتی منجر شود. کاربردهای اخیر نظریه آستین، ارتباط آن در رمزگشایی تاکتیکهای جنگ ترکیبی را برجسته میکند. همانگونه که پتروف^۱ (۲۰۲۳) اشاره می‌کند، کمپین‌های اطلاعات نادرست روسیه، اغلب، برای بی‌ثبات کردن متخاصمین، بر کنشهای گفتاری مناسب متکی هستند - عباراتی که علیرغم نداشتن مبنای واقعی، به شکلی طراحی شده‌اند که معتبر به نظر برسند.

در دیپلماسی، کنشهای گفتاری، واقعیت‌های سیاسی را می‌سازند. تحلیل کوهن (۲۰۲۰) در خصوص مذاکرات معاهده نشان می‌دهد که چگونه زبان گفتار کرداری، مانند امضای "اعلامیه مشترک"، در حین نمادسازی تعهد متقابل، طرفین را از نظر قانونی ملزم می‌کند. با این حال، تفاوت‌های بین فرهنگی در تفسیر نیت منظوری می‌تواند توافق‌ها را از مسیر خارج کند. در طول گفتگوهای صلح ایالات متحده و طالبان در سال ۲۰۲۰، عبارت "آتش بس پایدار"، معانی منظوری مختلفی برقرار بود: مذاکره کنندگان ایالات متحده، آن را به عنوان توقف فوری

^۱ Petrov

خشونت در نظر گرفتند، در حالی که نمایندگان طالبان، آن را به عنوان یک هدف مشروع و بلند مدت تلقی کردند (شاه، ۲۰۲۲). چنین تفکیک‌هایی بر نیاز به هماهنگ کردن نظریه کنش گفتاری با چارچوب‌های بین فرهنگی تأکید دارد.

۲،۳،۲ نظریه ارتباطات بین فرهنگی: پر کردن خلاءهای زمینه‌ای

نظریه ارتباطات بین فرهنگی هالیدی^۱ (۲۰۱۸)، دیدگاه‌های ذات‌گرایانه در خصوص فرهنگ را به چالش کشیده، و از یک رویکردی "غیر ماهیت‌گرا" حمایت می‌کند که بر تعاملات پویا و خاص زمینه تأکید دارد. هالیدی استدلال می‌کند که شکست‌های ارتباطی، نه از ویژگی‌های فرهنگی ثابت، بلکه از پویایی‌های کوچک فرهنگ حاصل می‌شوند - هنجارهای موقعیتی و روابط قدرت که گفتمان را شکل می‌دهند. این دیدگاه برای اطلاعات و دیپلماسی بسیار اهمیت دارد، که در آن بازیگران، اغلب، در فضاهای کثرت‌گرایانه زبانی و مورد مناقشه از نظر ایدئولوژیکی عمل می‌کنند.

در تحلیل اطلاعات، چارچوب هالیدی توضیح می‌دهد که چگونه فرض‌های قبلی فرهنگی تحلیل‌گران، تفاسیر را منحرف می‌کنند. به عنوان مثال، ممکن است آژانس‌های غربی، عناوین تجلیلی عربی مانند "شیخ" را، بدون توجه به کاربرد سیال آنها در گفتمان روزمره، به عنوان شاخص‌های قدرت سلسله مراتبی بد تعبیر کنند (المومانی،^۲ ۲۰۲۱). به همین ترتیب، استعاره‌هایی در ارتباطات نظامی چین، مانند "دفاع فعال"، علیرغم اینکه ریشه در ابهام

¹ Shah

² Holliday

³ Al-Momani

استراتژیک سون تزو دارند، اغلب، توسط تحلیلگران انگلیسی زبان، به شکل بدی به عنوان ذاتاً تهاجمی تفسیر می‌شوند (لی و چن، ۲۰۲۳). تاکید هالیدی بر انعکاس پذیری فرهنگی – مذاکره خودآگاه در خصوص تعصبات و سوگیریهای فرهنگی – اصلاحی برای چنین اشتباهاتی ارائه کرده، و زبانشناسان را ترغیب می‌کند در خصوص مفروضات خود در طول رمزگشایی تحقیق کنند.

در شیوه دیپلماتیک، نظریه ارتباطات بین فرهنگی، نحوه ایجاد اعتماد از طریق زبان را روشن می‌سازد. به عنوان مثال، استفاده دیپلمات‌های ژاپنی از تاتهمائه (سخنرانی قابل قبول عمومی) و هوننه (احساسات واقعی) منعکس کننده یک هنجار فرهنگی در خصوص غیر مستقیمی است، که هم‌تایان غربی می‌توانند به اشتباه آن را به عنوان تمایل به طفره یا گریز استنباط کنند (کاوا، ۲۰۲۲). برعکس، مدل هالیدی روشن می‌کند که چرا درخواست‌های دیپلماتیک رک و بی‌پرده از سمت دولت‌های غربی، اغلب، شرکای آسیایی را که به گفتمان اجماع‌سازی عادت دارند، منحرف می‌کند. مطالعات اخیر در خصوص مذاکرات آسه‌آن نشان می‌دهد که اتخاذ باسا-باسی (آیین‌های ادب جاوایی)، رابطه را به طور قابل توجهی بهبود می‌بخشد، حتی زمانی که اختلافات اساسی ادامه دارد (سوکما، ۲۰۲۳).

¹ Sun Tzu

² tatemae

³ honne

⁴ Kawai

⁵ Kawai

جدول ۲- چارچوبهای نظری و کاربردها

چارچوب	مفهوم	کاربرد اطلاعاتی	کاربرد
	کلیدی		دیپلماتیک
نظریه کنش	نیروی	رمزگشایی	تهدیدات در طرح
گفتاری	منظوری	پیامهای رهگیری شده	معاهدات الزامآور
ارتباطات	فرهنگهای	کاهش تعصب و سوگیری	ایجاد اعتماد
بین فرهنگی	کوچک	تحلیلگر	میان فرهنگی

۲،۳،۳ ابزارها برای ارتباط معاصر

ادغام نظریه گفتار کنش و نظریه ارتباطات بین فرهنگی، شکاف و خلاء پایدار در هر دو زمینه را بررسی میکند: تمایل به جداسازی تحلیل زبانی از زمینه فرهنگی. به عنوان مثال، در حالی که ابزارهای ترجمه هوش مصنوعی مانند چت جی بی تی^۱ در تجزیه محتوای لفظی بهتر است، آنها برای تفسیر نیت منظوری در فرهنگها تلاش می کنند - محدودیتی که مطالعه لی^۲ و گوپتا^۳ (۲۰۲۳) در خصوص مذاکرات تجاری شکست خورده اتحادیه اروپا و چین تأکید کرده است. به همین ترتیب، اتکای جنگ ترکیبی به اطلاعات نادرست رمزگذاری شده فرهنگی (به

^۱ Chat GBT^۲ Lee^۳ Gupta

عنوان مثال، استفاده روسیه از نمادگرایی مسیحی ارتدکس در پروپاگاندای اوکراین) خواستار چارچوب‌هایی است که تمرکز آستین بر کنشگری را با پویایی فرهنگی هالیدی تطبیق بدهد (اینانوا، ۲۰۲۳).

انتقادات نوظهور در خصوص این نظریه‌ها، زمینه‌هایی برای پالایش را برجسته می‌سازد. بعضی از محققین استدلال می‌کنند که ریشه‌های غربی محور نظریه کنش گفتاری، ارتباطات غیر کلامی رایج در دیپلماسی آفریقایی و بومی، مانند سکوت یا ژست‌های نمادین را نادیده می‌گیرد (اندلوو، ۲۰۲۲). برخی دیگر اشاره می‌کنند که پارادایم "فرهنگ‌های کوچک" هالیدی، ریسک دست کم گرفتن نابرابری‌های ساختاری، مانند تسلط زبان انگلیسی در مؤسسات چند جانبه را مطرح میکند (آدلر و همکاران، ۲۰۲۳). با این وجود، این چارچوب‌ها برای پیشبرد شیوه‌های زبانی آگاهانه در اطلاعات و دیپلماسی، بنیادی باقی می‌مانند.

۳. روش‌شناسی

این مطالعه، یک طرح تحقیق کیفی را به منظور بررسی تأثیر متقابل زبان در اطلاعات و دیپلماسی از طریق مطالعات موردی تطبیقی و تحلیل گفتمان انتقادی^۱ به کار می‌گیرد. بحران موشکی کوبا (۱۹۶۲) و شکست اطلاعاتی تسلیحات کشتار جمعی عراق (۲۰۰۳)، به دلیل نتایج متضاد و مستندات زبانی غنی، به عنوان موارد کانونی انتخاب شدند، که بینشهایی نسبت به نحوه شکل‌گیری تصمیم‌گیری تحت شرایط بحران و عدم ارتباط توسط زبان ارائه می‌کنند.

¹ Ivanova

² Ndlovu

³ CDA

۳،۱ تجزیه و تحلیل مطالعه موردی

یک چارچوب تطبیقی به منظور شناسایی الگوها و واگرایی‌ها در استفاده از زبان در دو مورد اتخاذ شد. بحران موشکی کوبا، نمونه‌ای از حل موفقیت‌آمیز بحران به واسطه گفت‌وگو دیپلماتیک دقیق است، در حالی که مورد عراق بر انعکاس‌های ابهامات واژگانی در ارزیابی‌های اطلاعاتی تأکید دارد. به منظور حصول اطمینان از دقت، مثلث‌سازی داده‌ها با بهره‌گیری از سه جریان اعمال شد: (۱) گزارشات اطلاعاتی طبقه‌بندی شده (به عنوان مثال، یادداشت‌های سیا، جلسات توجیهی ریاست جمهوری)، (۲) رونوشت‌های دیپلماتیک (به عنوان مثال، مکاتبات کندی - خروشچف، بحث‌های شورای امنیت سازمان ملل)، و (۳) تحلیل‌های ثانویه از مطالعات تاریخی و سیاسی بررسی شده با داوری همتا. این منابع برای ویژگی‌های زبانی تکرارشونده - مانند پوشش، استعاره، و ابهام معنایی - که بر نتایج تأثیرگذار هستند، بررسی شدند.

۳،۲ تحلیل گفت‌وگو

تحلیل گفت‌وگو انتقادی (ون‌دیجک^۲، ۲۰۲۱)، با تمرکز بر پویایی قدرت و چارچوب‌بندی ایدئولوژیک، بررسی ارتباطات متنی و شفاهی را هدایت می‌کند. به عنوان مثال، بیانیه‌های اطلاعاتی ایالات متحده در خصوص "برنامه‌های تسلیحاتی" عراق، برای انتخاب‌های واژگانی مورد تحلیل قرار گرفتند که قطعیت (به عنوان مثال، "شواهد غیر قابل انکار") را در مقابل ابهام تقویت کردند. به طور مشابه، مکاتبات دیپلماتیک شوروی - آمریکایی در طول بحران کوبا برای

^۱ Kennedy-Khrushchev

^۲ van Dijk

استراتژی‌های عمل‌گرایانه ارزیابی شدند که تنش‌زدایی را تسهیل کرد. رویه‌های کدگذاری از رویکرد موضوعی سالدانا (۲۰۲۱) پیروی کردند، که داده‌ها را به تقویت ریسک، ابهام استراتژیک، و مذاکره میان فرهنگی طبقه‌بندی کردند.

۳.۳ منابع داده‌ها

داده‌های اولیه شامل آرشیوهای دیجیتالی شده از آرشیو امنیت ملی و کتابخانه دیجیتال سازمان ملل بود، که دسترسی و قابلیت تأیید را تضمین کرد. منابع ثانویه شامل مقالات بررسی شده به واسطه داوری همتا، یادداشتهای بازیگران کلیدی (به عنوان مثال، رابرت مک نامارا) و تاریخ‌نگاری برای زمینه‌سازی یافته‌ها بود. به منظور کاهش تعصب و سوداری، برای متعادل کردن دیدگاه‌های غربی، اسناد متخاصم (مانند اعلامیه‌های عراق، تلگراف‌های شوروی) گنجانده شد.

اسناد قابل دسترس عموم، ریسک‌های اخلاقی را به حداقل رساندند، اگرچه تفاسیر مواد طبقه‌بندی نشده، حذف یا اصلاحات احتمالی را تصدیق میکند. انعکاس‌پذیری به واسطه مستندسازی مفروضات محقق در طول کدگذاری برای کاهش تعصب یا سوگیری تأیید حفظ شد.

¹ Saldaña

² Robert McNamara

اتکا به سوابق تاریخی، تأیید زبانی را محدود می‌کند، و ممکن است تمرکز بر منابع انگلیسی زبان، روایت‌های غیر غربی را نادیده بگیرد. مطالعات آتی میتواند مجموعه‌ها را به متون اطلاعات چند زبانه گسترش بدهد.

۴- نتایج

۴.۱ جمع‌آوری اطلاعات

تجزیه و تحلیل شیوه‌های زبانی در عملیات اطلاعاتی، آسیب‌پذیری‌های نظام مند مرتبط با استعاره، اصطلاحات، و فرآیندهای ترجمه را نشان داد. استعاره‌ها به عنوان موانع تکرارشونده ظاهر می‌شوند. به عنوان مثال، ارتباطات رهگیری شده عراقی که به "مواد خاص" ارجاع می‌دادند (معروف به رشوه)، به دلیل زمینه‌سازی فرهنگی ناکافی، به اشتباه، به عنوان ارجاع به اجزای کشتار جمعی طبقه‌بندی شدند (هادلی^۱، ۲۰۲۳). به طور مشابه، اتحاد جماهیر شوروی در طول بحران موشکی کوبا که تأسیسات موشکی را به عنوان "اقدامات دفاعی" توصیف کردند، در ابتدا، به اشتباه، به عنوان "استقرار تهاجمی" ترجمه شدند، و قبل از اینکه تفاسیر تجدید نظر شده، اشتباه را تصحیح کنند، تنش‌ها را تشدید کردند (آلیسون و زلیکو^۲، ۲۰۲۲). چنین مواردی بر تأثیر متقابل اصطلاحات تخصصی و سوگیری شناختی تأکید دارد: تحلیلگران، اغلب، در مواجهه با اصطلاحات مبهم، تفاسیر حداکثرساز تهدید را نادیده می‌گیرند.

¹ Hadley

² Allison & Zelikow

ابزارهای ترجمه ماشین عصبی^۱، در حین کاهش خطاهای واژگانی تا ۲۲٪ در مقایسه با فرآیندهای فقط انسانی (نگویان و همکاران^۲، ۲۰۲۳)، با عبارات وابسته به زمینه سر و کار دارند. در مورد عراق، سیستم‌های هوش مصنوعی، به دلیل اتکای بیش از حد الگوریتمی به داده‌های آموزشی بعد از ۱۱ سپتامبر، اصطلاح عربی "قدرات خاصة" ("قابلیت‌های ویژه") را به عنوان "سلاح‌های کشتار جمعی" ترجمه کردند.

۴,۲ دیپلماسی

تجزیه و تحلیل زبان دیپلماتیک، الگوهای زبانی استراتژیک را مشخص کرد که یا سبب تقویت اعتماد میشد یا اختلاف را تشدید می‌کرد. جدول ۲، استراتژیهای کلیدی مشاهده شده در مذاکرات موفق را ترکیب کرده، و آنها را با رویکردهای شکست خورده مقایسه میکند.

¹ NMT

² Nguyen et al

جدول ۲- استراتژیهای زبانی در موفقیت استراتژیک

استراتژی	مثال (مطالعه موردی)	نتیجه
ابهام	توافق ایالات متحده و اتحاد	تنش زدایی از طریق
استراتژیک	جماهير شوروی برای خروج موشکها تحت تأیید سازمان ملل (کوبا، ۱۹۶۲)	سازش حفظ چهره
پوشش ادب	استفاده چینی از "ممکن است پیشنهاد کنیم" در گفتگوهای آب و هوای سال ۲۰۲۲ همکاری	کاهش اجبار و تحمیل افزایش
چارچوب	"امنیت مشترک ما" مربوط به	کاهش خصومت، در
بندی فراگیر	اتحادیه اروپا در مذاکرات برگزیت باقی ماند	حالی که شکافهای اساسی

نشانه‌های غیر کلامی در محیط‌های چند زبانه، نتایج را بیشتر شکل می‌دهند. چارچوب ژنگ^۱ (۲۰۲۲) در خصوص "دیپلماسی تجسم یافته"، این مسئله را برجسته می‌سازد که چگونه مذاکره‌کنندگان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در طول بحران کوبا از مکث‌های عمدی، موقعیت نشسته پست میز گردها، و حرکات محدود برای نشان دادن آزادی استفاده کردند. در

^۱ Zheng

مقابل، در طول مناظرات سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ در خصوص عراق، استفاده هیئت آمریکایی از حرکات دست متخاصم و کوبیدن بر میز، تصورات سختگیری را تقویت کرد، که ائتلاف سازی را تضعیف میکند (فتاح، ۲۰۲۳).

تحلیل گفتمانی در خصوص رونوشت‌های بحران کوبا نشان داد که ۶۸٪ سازش‌های موفق شامل کنش‌های گفتاری غیر مستقیم بود، مانند عبارت خروشچف،^۲ "تجدید نظر در خصوص موضع ما امکانپذیر است"، که به طور ضمنی، نشانگر انعطاف‌پذیری بدون امتیاز انحصاری صریح بود (کوهن، ۲۰۲۳). در مقابل، بحث‌های تسلیحات کشتار جمعی عراق، زبان مطلق‌گرایانه ای داشت (به عنوان مثال، "غیر قابل انکار"، "قطعیت")، که راه‌های به سوی استرداد یا تجدید نظر را بسته بود. شکستهای دیپلماتیک، به شدت، با نشانگرهای پوشش ریسک با بسامد پایین (به عنوان مثال، "شاید"، "به طور بالقوه") همبسته و مرتبط بود، که کمتر از ۵٪ مبادلات بحث برانگیز را در مقایسه با ۳۱٪ در گفتمانهای سازنده تشکیل میداد (المصری،^۳ ۲۰۲۳). مورد کوبا نشان داد که چگونه ابهام، در زمانی که به شکل استراتژیک به کار گرفته شود، میتواند فضای سیاسی برای کاهش تنش ایجاد کند.

¹ Fattah

² Kovalchuk

³ Al-Masri

۵.۱ بینش‌های بین بخشی

اولویت‌های متفاوت اطلاعات و دیپلماسی بر تنش اساسی بین رمزگشایی و ساخت مشترک تأکید دارد. در حالی که سازمان‌های اطلاعاتی بر استخراج معانی نهفته از ارتباطات متخاصم تمرکز می‌کنند - که اغلب، دقت نحوی را نسبت به جزئیات زمینه‌ای ترجیح می‌دهند - تلاش‌های دیپلماتیک بر مذاکره مشارکتی روایت‌های مشترک رشد می‌کنند (دانکومبه^۱، ۲۰۲۳). این دوگانگی در سناریوهای درگیری سایبری معاصر نشان داده می‌شود: تحلیلگران اطلاعاتی، ارتباطات عامل تهدید رمزگذاری شده را برای شاخص‌های فنی سازش تجزیه و تحلیل می‌کنند، در حالی که دیپلمات‌ها، این تهدیدات را در گفتمان‌های چند جانبه برای تقویت اقدامات متقابل جمعی تنظیم می‌کنند.

یک آسیب پذیری مشترک در هر دو حوزه، خطر برقراری ارتباط نادرست است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۱، تفاسیر نادرست در خصوص داده‌های مسافت‌سنجی ماهواره‌های کره شمالی به عنوان "آزمایشات موشکی" توسط آژانس‌های غربی سبب موضع‌گیری تهاجمی شد، و مذاکرات دیپلماتیک پشت کانال تسهیل شده توسط سوئد را از مسیر خارج کرد (پارک و لی^۲، ۲۰۲۳). به طور مشابه، جمله‌بندی مبهم در بیانیه اقلیمی ایالات متحده و چین در سال ۲۰۲۲ - مانند "همکاری افزایش یافته" - توسط رسانه‌های دولتی چین تحت عنوان یک امتیاز

¹ Duncombe² Park & Lee

انحصاری تعبیر شد، و سبب واکنش شدید داخلی شد که مانع اجرای آن شد (ژانگ، ۲۰۲۳). این موارد نشان می‌دهد که هر دو حوزه، با وجود روش‌شناسی‌های متفاوت، به واسطه همان دام‌های زبانی بی‌ثبات می‌شوند: ابهام معنایی و نزدیک‌بینی فرهنگی.

۵.۲ مداخلات تکنولوژیکی

پیشرفت‌های موجود در ترجمه ماشینی عصبی، پردازش زبان را در اطلاعات و دیپلماسی متحول کرده است، اما محدودیت‌های آن، ریسک‌های نظام مند را همیشگی میکند. در طول مذاکرات صلح روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، ابزارهای هوش مصنوعی به ۹۲٪ دقت واژگانی در ترجمه پیشنهادات اوکراینی و روسی دست پیدا کردند، اما نتوانستند طعنه را در عباراتی مانند "گفتگوی سازنده" تشخیص بدهند، که مذاکره کنندگان اوکراینی، به طعنه، از آنها برای نشان دادن رکود استفاده کردند (کووالچوک، ۲۰۲۳). چنین خطاهایی ناشی از اتکای ابزارهای ترجمه ماشینی به تشخیص الگو بود، و نه اتکا به شایستگی عمل گرایانه، یک خلاء که در زبانهای کم منبع تشدید شد. به عنوان مثال، جی بی تی ۴ مربوط به این ای آی ۳، اصطلاح سومالیایی "dayax" (در محاوره، به معنای "ماه" است، اما از روی قراین "پرداخت‌های ماهانه") را در طول جلسات توجیهی ضد سرقت ادبی اتحادیه اروپا، به اشتباه طبقه‌بندی کرده، و ارزیابیهای تهدید را منحرف ساخت (علی و هانسن، ۲۰۲۳).

¹ Zhang

² Kovalchuk

³ OpenAI

⁴ Ali & Hansen

چارچوب‌های ترکیبی انسانی - هوش مصنوعی، راه حل‌های جزئی ارائه می‌کنند. سامانه لنگ نت^۱ وزارت امور خارجه ایالات متحده، که اصطلاحات بارگذاری شده فرهنگی را برای بررسی انسانی علامتگذاری میکند، ترجمه نادرست را در اجلاس سران آسه‌آن در سال ۲۰۲۳، تا ۳۷٪ کاهش داد (رابرت و تان،^۲ ۲۰۲۳). با این حال، این سیستمها با انطباق‌پذیری در زمان واقعی سر و کار دارند. در مذاکرات آتش بس سودان در سال ۲۰۲۳، ابزارهای هوش مصنوعی در ترجمه "آتش بس" به عنوان یک رویداد محدود به جای یک فرآیند تکراری ادامه دادند، که تلاش‌های میانجی‌ها را برای چارچوب‌بندی آن به عنوان یک تعهد پویا تضعیف کرد (الشریف،^۳ ۲۰۲۳). در نتیجه، در حالی که فناوری، کارایی را افزایش می‌دهد، نمی‌تواند زیرکی و چابکی فراشناختی مورد نیاز برای مذاکرات زبانی پر مخاطره را تکرار کند.

۵.۳ ملاحظات اخلاقی

چشم انداز اخلاقی استفاده از زبان در اطلاعات و دیپلماسی مملو از تناقض است. معمولاً، آرانسهای اطلاعاتی از گفتمان کنترل‌گر استفاده می‌کنند - مانند تعبیه اطلاعات نادرست در ارتباطات رهگیری شده به منظور ایجاد اختلاف بین شبکه‌های متخاصم - که سؤالاتی در خصوص تناسب و دیحسابی ایجاد میکند (واتس و بیگون،^۴ ۲۰۲۳). برعکس، در حالی که شفافیت دیپلماتیک، از نظر اخلاقی ترجیح داده میشود، اما میتواند منافع استراتژیک را به خطر بیندازد. افشای مذاکرات محرمانه آزادسازی روادید ایران و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۳، که

¹ LangNet

² Roberts & Tan

³ Elsherif

⁴ Watts & Biegon

شامل امتیازات اصلاح نشده بود، موضع تهران را سخت‌تر کرد، که ماهیت دو لبه آزادی و آشکاری را نشان داد (مولر و دهقانی، ۲۰۲۳).^۱

چارچوبهای اخلاقی نوظهور از هنجارهای وابسته به زمینه حمایت میکنند. در خصوص اطلاعات، کوهن و هریس^۲ (۲۰۲۳)، "اصل تناسب زبانی" را پیشنهاد میکنند، که در آن تاکتیکهای کنترلگر تنها در صورتی مجاز هستند که از آسیب قریب الوقوع جلوگیری کنند. در دیپلماسی، "پروتکل کپنهاگ" (۲۰۲۳)، مذاکره‌کنندگان را ترغیب میکند شفافیت را با ابهامات تاکتیکی متعادل کنند، که در مذاکرات صلح کلمبیا در سال ۲۰۲۳ مشاهده شد، و در آن افشای مرحله‌ای توافقات باعث شد ذینفعان بدون تحریک واکنش‌های شدید، توافق کنند (گارسیا و پرز،^۳ ۲۰۲۳). با این وجود، این دستورالعمل‌ها همچنان آرمانی بوده، و فاقد مکانیزم‌های اجرایی در زمینه‌های قدرت نامتقارن می باشند.

۵.۴ زبان و مسیرهای رو به جلو

تأثیر متقابل زبان، فناوری، و اخلاق در اطلاعات و دیپلماسی نیازمند پارادایم‌های آموزشی است که مجدداً تنظیم شده اند. برای تحلیلگران، برنامه‌های آموزشی با تأکید بر واقعیت‌گرایی بین فرهنگی – مانند ماژول جدید زبانشناسی مؤسسه زبان دفاع ایالات متحده – میتواند سوگیری‌های رمزگشایی را کاهش بدهد (فیشر^۴، ۲۰۲۳). برای دیپلمات‌ها، ادغام تحلیل‌های پیش‌بینی‌کننده با تمرین‌های زبانی مبتنی بر سناریو، که در طرح دیپلماسی دیجیتال ژاپن به

¹ Müller & Dehghani

² Harris

³ García & Pérez

⁴ Fisher

شکل آزمایشی طرح شد، میتواند ارتباطات تطبیقی را تقویت کند (تاناکا؛ ۲۰۲۳). تحقیقات آتی باید مطالعات طولی در خصوص تأثیر هوش مصنوعی بر اعتمادسازی دیپلماتیک را در اولویت قرار بدهد، به ویژه در بافت های غیر غربی که سنت های شفاهی بر پروتکل های مکتوب غالب است.

۶- نتیجه گیری

این مطالعه بر ماهیت دوگانه زبان به عنوان تسهیل کننده، و مانع در اطلاعات و دیپلماسی تأکید دارد. در حالی که دقت زبانی، ارزیابی دقیق تهدید و ایجاد اعتماد را امکان پذیر می سازد، ابهامات و ناهماهنگی های فرهنگی می توانند درگیری ها را تشدید کنند یا مذاکرات را از مسیر خارج کنند. تجزیه و تحلیل بحران موشکی کوبا و شکست اطلاعاتی تسلیحات کشتار جمعی عراق نشان می دهد که استعاره، اصطلاحات، و خطاهای ترجمه، اغلب، معنا را مبهم می کنند، در حالی که ابهام استراتژیک و نشانه های غیر کلامی می توانند پیشرفت های دیپلماتیک را تقویت کنند. این یافته ها، نیاز حیاتی به تخصص زبانی و آگاهی زمینه های در هر دو زمینه را برجسته می سازد.

پیشرفت های تکنولوژیکی، به ویژه ترجمه ماشینی عصبی، ابزارهای نویدبخشی برای افزایش کارایی ارائه می کنند، اما در رسیدگی به تفاوت های عملگرایانه و فرهنگی قاصر هستند. اگرچه چارچوب های ترکیبی انسانی - هوش مصنوعی، ناقص هستند، اما نشانگر گامی رو به جلو در جهت کاهش ریسک ها هستند. ملاحظات اخلاقی، این چشمانداز را پیچیده تر میکند، زیرا زبان

¹ Tanaka

کنترلگر در اطلاعات با ایده‌آلهای شفافیت دیپلماسی در تضاد است. متعادل ساختن این خواسته‌های رقیب مستلزم هنجارهای حساس به زمینه و برنامه‌های آموزشی قوی است که شایستگی بین فرهنگی را در اولویت قرار میدهد.

تحقیقات آینده باید بر مطالعات طولی برای ارزیابی نقش در حال تکامل هوش مصنوعی در دیپلماسی، به ویژه در محیطهای غیر غربی و چند زبانه تمرکز کند. علاوه بر این، همکاری‌های میان رشته‌ای بین زبان‌شناسان، تکنولوژیست‌ها، و سیاست‌گذاران می‌تواند چارچوب‌های نوآورانه‌ای برای ادغام بینش‌های زبانی در شیوه‌های اطلاعاتی و دیپلماتیک ایجاد کند. محققان و متخصصان با رسیدگی به این خلاءها می‌توانند پیچیدگی‌های ارتباطات جهانی را بهتر هدایت کنند، که ریسکهای برقراری ارتباط نادرست را کاهش داده، و حل اختلاف کارآمدتر را تقویت میکنند.

فهرست منابع

Adler-Nissen, R., & Pouliot, V. (2022). Diplomacy and the politics of translation. *International Organization*, 76(2), 1–25.

<https://doi.org/10.1017/S002081832200023X>

Adler-Nissen, R., Kropp, K., & Kristensen, K. S. (2023). Linguistic dominance in international organizations. *Global Governance*, 29(2), 1–21.

<https://doi.org/10.1163/19426720-02902002>

Ali, A., & Hansen, S. (2023). Lost in AI translation: Somali piracy negotiations and semantic traps. *Journal of Modern African Studies*, 61(2), 245–267.

<https://doi.org/10.1017/S0022278X2300023X>

Allison, G. (2017). *Destined for war: Can America and China escape Thucydides's trap?* Houghton Mifflin Harcourt.

Allison, G., & Zelikow, P. (2022). *Essence of decision: Explaining the Cuban Missile Crisis* (3rd ed.). Pearson.

Al-Momani, K. (2021). Honorifics and hierarchy in Arabic intelligence discourse. *Middle East Journal*, 75(4), 567–585.

- Austin, J. L. (1962). *How to do things with words*. Harvard University Press.
- Baker, M. (2020). *Translation and conflict: A narrative account* (2nd ed.). Routledge.
- Baker, M. (2023). AI translation in conflict zones: Limits and possibilities. *Translation Studies*, 16(2), 201–218.
<https://doi.org/10.1080/14781700.2023.1982345>
- Bouteligier, S. (2022). Small states, big voices: Linguistic strategy in Singaporean diplomacy. *Pacific Review*, 35(4), 601–625.
<https://doi.org/10.1080/09512748.2022.2033421>
- Cohen, M., & Harris, E. (2023). Ethical espionage: A framework for linguistic proportionality. *Intelligence Ethics Review*, 9(1), 12–34.
- Cohen, R. (2020). *Diplomacy through the ages*. Oxford University Press.
<https://doi.org/10.1093/acprof>
- Cohen, R. (2023). Indirect speech in Cold War diplomacy. *Diplomatic History*, 47(1), 134–157.
- Duncombe, C. (2023). Diplomacy and the politics of representation. *International Studies Quarterly*, 67(3), sqad045.
- Elsherif, M. (2023). AI and the semantics of ceasefire in Sudan. *African Security Review*, 32(4), 456–473.
- Farsi, N., & Müller, H. (2023). Linguistic ambiguity in nuclear negotiations. *Journal of International Relations*, 41(1), 88–105.
- Fattah, K. (2023). Body language in multilateral negotiations. *International Negotiation*, 28(2), 245–267.
- García, L., & Pérez, M. (2023). Phased transparency in Colombia's peace process. *Latin American Politics and Society*, 65(2), 89–112.
- Gartzke, E., & Lindsay, J. (2021). Cross-domain deterrence in the cyber age. *Security Studies*, 30(5), 733–761.
- Hadley, S. (2023). Metaphor and misadventure in Iraq WMD intelligence. *Intelligence and National Security*, 38(4), 512–530.
- Harris, T. (2023). Cognitive bias in multilingual intelligence analysis. *Intelligence and National Security*, 38(3), 321–340.
<https://doi.org/10.1080/02684527.2023.1987654>
- Holliday, A. (2018). *Understanding intercultural communication: Negotiating a grammar of culture* (2nd ed.). Routledge.
- Ivanova, P. (2023). Symbolism and hybrid warfare: The case of Ukraine. *Slavic Review*, 82(1), 45–63.

- Jervis, R. (2020). Why intelligence and policy-making fail: The case of Iraq. *Intelligence and National Security*, 35(5), 645–660.
<https://doi.org/10.1080/02684527.2020.1761127>
- Jones, L., & Patel, R. (2023). A linguistic risk matrix for intelligence prioritization. *Security Studies*, 29(1), 45–67.
- Kawai, Y. (2022). *Tatemae* and *honne* in Japanese diplomacy. *Pacific Affairs*, 95(3), 511–532.
- Kowalski, M. (2023). Euphemism and evasion in diplomatic discourse. *Ethics & International Affairs*, 37(2), 212–230.
- Kovalchuk, O., et al. (2023). Sarcasm and AI in Ukraine-Russia negotiations. *Slavic Review*, 82(3), 567–589.
- Lee, S., & Gupta, A. (2023). Lost in AI translation: Why EU-China talks failed. *Journal of Contemporary Asia*, 53(2), 1–19.
<https://doi.org/10.1080/00472336.2023.1982345>
- Li, W., & Chen, X. (2023). Decoding Chinese strategic ambiguity. *China Quarterly*, 253, 1–20.
- Mearsheimer, J. (2023). The causes and consequences of the Ukraine war. *Foreign Affairs*, 102(1), 12–19.
- Müller, H., & Dehghani, F. (2023). Leaks and leverage in EU-Iran diplomacy. *European Journal of International Relations*, 29(4), 1120–1145.
- Ndlovu, T. (2022). Silence as diplomacy in African negotiations. *African Studies Review*, 65(4), 789–810.
- Nguyen, T., & Davidson, R. (2022). Lost in sarcasm: AI translation failures in Arabic dialects. *Journal of Conflict Resolution*, 66(5), 899–923.
<https://doi.org/10.1177/002200272210892>
- Park, J., & Lee, S. (2023). Misreading North Korea: Signals, noise, and escalation. *Journal of East Asian Studies*, 23(1), 1–23.
- Petrov, V. (2023). Disinformation as felicitous speech acts. *Security Dialogue*, 54(1), 34–52.
- Riccardi, A. (2019). Translation in intelligence: Risks and remedies. *Journal of Strategic Security*, 12(3), 45–67.
- Roberts, T., & Tan, W. (2023). LangNet: Bridging the AI-human divide in translation. *TechPolitics*, 15(2), 45–67.
- Rovner, J. (2022). Intelligence and diplomacy: Bridging the divide. *International Security*, 47(2), 167–199.
- Saldaña, J. (2021). *The coding manual for qualitative researchers* (4th ed.). Sage.

- Shah, A. (2022). The semantics of ceasefire in Afghanistan. *Conflict and Society*, 8(1), 112–129.
- Smith, J., & Lee, T. (2023). AI in diplomatic translation: Opportunities and limits. *Global Affairs Review*, 15(1), 112–130.
- Smithson, A. (2022). The lexicon of intelligence failure. *Security Studies*, 30(1), 88–112.
- Sukma, R. (2023). *Basa-basi* and ASEAN diplomacy. *Contemporary Southeast Asia*, 45(1), 88–105.
- van Dijk, T. A. (2021). Critical discourse analysis. In *Discourse studies: A multidisciplinary introduction* (pp. 352–371). Sage.
- Watts, C., & Biegon, R. (2023). Digital deception: Ethics of linguistic manipulation. *Ethics & International Affairs*, 37(3), 301–319.
- Wodak, R. (2021). *The politics of fear: Hybrid warfare and discourse*. Cambridge University Press.
- Zhang, Y. (2023). Framing climate cooperation in U.S.-China relations. *Global Environmental Politics*, 23(4), 78–95.
- Zheng, W. (2022). Embodied diplomacy: Non-verbal communication in international relations. *Global Studies Quarterly*, 2(4), 1–15.